



شماره ۷۳۲، دوره هشتم
سال بیستم، ۲۷ بهمن ماه ۱۳۸۴

برنامه اقتصادی دولت به سود چه کسانی است؟!

مجلس، شاهد تشدید درگیری های درون حکومتی بر سر سمت و سوی برنامه های اقتصادی هستیم این رویارویی ها با توجه به مساله برنامه هسته ای و بحران ناشی از آن به یک چالش جدی در رژیم ولایت فقیه بدل گردیده است. طی هفته های گذشته رشته رخدادهایی عرصه اقتصادی کشور را

* در حالیکه بر پایه آمار رسمی جمهوری اسلامی، با توجه به حداقل دستمزدها، اکثریت عظیم کارمندان دولت زیر خط فقر زندگی می کنند، مبالغ هنگفتی از بودجه کشور برای بسیج، سپاه و نهادهای پوسیده یی چون موسسه خصوصی خمینی به ریاست آیت الله مصباح یزدی در نظر گرفته شده و همین موسسه سهمی بیش از سه و نیم میلیارد تومان از بودجه کل کشور را به خود اختصاص داده است.

با ارایه لایحه بودجه کل کشور برای سال ۱۳۸۵ از سوی دولت به

ادامه در صفحه ۲

شرکت هیئت نمایندگی حزب توده ایران در کنفرانس «نظم نوین جهانی» و مهر آن بر طرح خاورمیانه بزرگ در صفحات ۴ و ۵

منابع نفت و گاز ایران و انحصارهای فراملی

ایران به عنوان یکی از قدرت های اصلی سازمان اوپک، که بر پایه آخرین آمار انتشار یافته از سوی مرکز انرژی آمریکا، دارای بیش از ۵/۱۳۲ میلیارد بشکه ذخایر کشف و شناسایی شده نفت و با دارا بودن تاسیسات صنعتی گسترده در این صنایع، اکنون با مشکلات فراوان دست به گریبان است در سال های اخیر به علت سیاست های غلط و نسنجیده رژیم ولایت فقیه، میهن ما با آنکه از توانایی های قابل توجه در صنعت نفت، گاز و پتروشیمی برخوردار می باشد، بسیاری از بازارهای خود را از دست داده و یا به رقبای دیگر واگذار نموده است. علاوه بر این، موقعیت ضعیف و شکننده کشور در روابط بین المللی به ویژه با روی کار آمدن دولت احمدی نژاد ابعاد نگران کننده تری یافته، به صورت مستقیم در صنایع نفت و گاز بازتاب یافته و این شاه رگ حیاتی درآمد ملی را در وضعیتی دشوار قرار داده است و این وضعیت تنها بسود انحصارهای امپریالیستی است.

در اوایل دی ماه سال جاری، رسانه های همگانی اعلام داشتند، اساسنامه شرکت ملی نفت ایران مورد بازنگری و اصلاح قرار گرفته و اساسنامه نوین تا پایان سال جاری به مجلس شورای اسلامی ارایه خواهد شد. تدوین اساسنامه جدید از سوی مدیران بلند پایه تعدادی از شرکت

ادامه در صفحه ۳

سیمای ایران ۲۷ سال پس از انقلاب: بحران سیاسی، فقر، محرومیت و استبداد

منحرف کرده و به جای قول های داده شده حکومتی عمیقاً استبدادی و ضد مردمی را بر میهن ما تحمیل کردند. فاجعه سرنوشت انقلاب بهمن ارتباط تنگاتنگ و گسست ناپذیری با واقعیات سخت و دردناک امروز میهن ما دارد. ۲۷ سال پس از پیروزی انقلاب که قول تحقق عدالت اجتماعی را به توده های محروم می داد، بی عدالتی و ستم طبقاتی در ابعاد گسترده بی دره بی عظیم بین محرومان و گروه اندک وابستگان به سران رژیم و مافیای بازار و سران سپاه و بسیج ایجاد کرده است که در یک سوی آن ده ها میلیون ایرانی زیر خط فقر زندگی می کنند و در سوی دیگر آن گروه معدودی با ده ها میلیارد ثروت به غارت هر چه بیشتر منابع ملی کشور ما مشغولند.

امسال، بر خلاف روال سال های گذشته، که سخنرانی های ۲۲ بهمن به برشمردن «دست آوردهای» سران رژیم اختصاص داشت مراسم سالگرد انقلاب به تلاشی از سوی سران رژیم برای «بیعت» گرفتن با سیاست های مخرب و خطرناک خارجی و سیاست های سرکوبگرانه داخلی تبدیل شده بود. سید علی خامنه ای، ولی فقیه رژیم در پیامی به این مناسبت از جمله گفت: «وفاداران به نظام پویا و مترقی جمهوری اسلامی، از همه ی قشرهای مردمی و از همه جای کشور و از همه ی سلیقه ها و گرایشهای سیاسی، دست به دست هم

ادامه در صفحه ۶

۲۲ بهمن ماه مصادف با بیست و هفتمین سالگرد انقلاب بهمن بود. ۲۷ سال از یکی از بزرگترین حرکات های اجتماعی قرن بیستم می گذرد که در آن میلیون ها ایرانی رژیم استبدادی و وابسته شاه را با اتحاد عمل و مبارزه مشترک سرنگون کرده و راه را به سوی تحقق آرمان های جنبش مردمی، یعنی استقرار آزادی، استقلال و عدالت اجتماعی گشودند. حرکت تاریخی مردم ما در ۲۲ بهمن ماه ۱۳۵۷، نمونه تحسین برانگیز مبارزه مردمی هوشیار و انقلابی در برابر یک حکومت پلیسی، سرکوبگر و عمیقاً ضد ملی بود. اتحاد آهنین کارگران، خصوصاً کارگران قهرمان شرکت نفت، با کارمندان دولت، دست در دست دانشجویان و جوانان و زنان مبارز، در کنار نیروهای ملی ارتش، دستگاه سرکوب پلیسی رژیم و نیروهای نظامی وابسته به آن را درهم کوبید و نشان داد که صف متحد خلق در صورت مبارزه مشترک می تواند از سد استبداد عبور کرده و توطئه های ارتجاع داخلی و امپریالیسم را با شکست رو به رو کند.

میلیون ها ایرانی با اعتماد به خمینی و طرفداران او که قول کشوری آباد و آزاد را می دادند سرنوشت انقلاب را به دست کسانی سپردند، که به دلیل موضع طبقاتی و باورهای ذهنی خود تمایلی به تعمیق انقلاب در عرصه های اجتماعی - اقتصادی نداشتند و در کوتاه زمانی انقلاب را از راه و آرمان های اصلی خود

با هم به سوی تشکیل جبهه واحد ضد دیکتاتوری
برای آزادی، صلح، استقلال، عدالت اجتماعی و طرد رژیم «ولایت فقیه»!

ادامه برنامه اقتصادی دولت ...

دستخوش فعل و انفعالات پر دامنه ساخت و بیش از پیش محتوی و مضمون برنامه های دولت در این زمینه را آشکار نمود.

روزنامه دنیای اقتصاد، به تاریخ ۱۳ بهمن ماه امسال، خبری را منتشر ساخت که در آن آمده بود: «در حالی که کمتر از یک هفته دیگر کمیسیون تلفیق بودجه، کار خود را به طور رسمی آغاز می کند روز گذشته رضا عبداللهی رییس این کمیسیون با ارسال نامه ای به روسای کمیسیون های تخصصی مجلس خواستار ملاحظه بیشتر نمایندگان در ارسال پیشنهادهای اصلاحی بودجه ۱۳۸۵ شد.» در ادامه این خبر قید شده: «او (رییس کمیسیون تلفیق) متذکر شده در صورت تصویب بودجه دولت، رشد ۵۰ درصد نقدینگی در راه است و نسبت به تورم ناشی از آن هشدار داده است.» در بخش دیگری از نامه از تصمیمات جلسه کمیسیون برنامه و بودجه و محاسبات، مبنی بر محدود کردن اعتبارات هزینه ای سال ۸۵ به میزان عملکرد آن در سال ۸۵ خبر داده است، کمیسیون برنامه و بودجه و محاسبات خواستار کاهش ۳۶ هزار میلیارد ریال اعتبارات جاری مندرج در لایحه بودجه ۸۵ شده است. علاوه بر این محمد خوش چهره، رییس کمیته اقتصادی و زیربنایی فراکسیون ارتجاع در مجلس موسوم به فراکسیون اکثریت، نیز در اواخر دی ماه در جمع خبرنگاران پارلمانی با صراحت خواستار برخورد جدی مجلس با لایحه بودجه دولت شده بود. وی از جمله خاطر نشان ساخته بود: «حجم بودجه ۸۵ به طور غیر مترقبه ای افزایش یافته است و به حدود ۵۴ درصد رسیده که رقم خیلی بالایی را شامل می شود، جامعه کشتش این حجم تزریق نقدینگی بر اساس لایحه بودجه را ندارد و ادامه این روند این نگرانی را به وجود می آورد که تا سه چهارم سال آینده دولت به طور جدی با مشکل تامین منابع مواجه شود و ما حتی اگر همه نفت تولیدی کشور را هم صادر کنیم، باز هم پول آن کفاف منابع را نمی دهد.»

برای آنکه به ماهیت برنامه های تدوین شده دولت جدید بهتر پی ببریم توجه به برخی آمار از اهمیت بسزایی برخوردار است. پایگاه خبری امروز، در تاریخ ۱۰ بهمن ماه، گزارشی را با عنوان بسیج به جای بخش خصوصی، پول نفت در جیب دولت حاصل اولین لایحه بودجه احمدی نژاد به نکات جالب توجهی اشاره کرده است، از جمله اینکه: «بنابه تصریح فرهاد رهبر رییس سازمان برنامه ریزی و مدیریت، طبق لایحه بودجه ۸۵ سازمان بسیج سازندگی نیروی مقاومت بسیج و رده های تابع (بخوان برخی هیات های مذهبی و سینه زنی ها) مجری پروژه های عمرانی می شود، شهردار سابق تهران (احمدی نژاد) در روندی آرام و بی سروصدا آهسته آهسته پروژه های پر سود شهرداری را از دست بخش خصوصی خارج کرد و به قرارگاه سازندگی خاتم الانبیا (وابسته به سپاه پاسداران) سپرد... با گذشت زمان و تغییر مکان شهردار قبلی به ریاست جمهوری مسیری مشابه پی گرفته شد. مخالفت های یکباره و بدون پشتوانه کارشناسی و به عنوان برنامه های کشور اعلام شدند... پس از سپاهیان و سابقه داران اطلاعات اینک نوبت به بسیج رسیده است که مجری طرح های تملک دارایی های سرمایه ای (پروژه های عمرانی) محسوب می شود.»

در قسمت دیگر این گزارش تاکید گردیده: «پیش بینی برداشت از حساب ذخیره در سال ۸۵ حدود ۲۲ میلیارد دلار است و ۷۵ درصد آن به بودجه عمرانی اختصاص دارد (که اغلب نیز به سپاه و بسیج واگذار شده) بنابر این از سقف ارزی مجاز برای استفاده سال ۸۵ (طبق قانون برنامه چهارم) بخش اعظم به بودجه جاری ریخته می شود این سقف که حدوداً ۱۴ میلیارد و ۴۶۱ میلیون دلار است و به مدد برداشت از حساب ذخیره ارزی به بیش از ۳۰ میلیارد دلار بالغ می شود، درست از محل همین افزایش ناگوار بودجه جاری است که رشدهای بیش از صددرصدی دستگاه هایی چون مرکز خدمات حوزه علمیه قم، دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم، نهاد نمایندگی ولی فقیه در دانشگاه و البته بودجه سفرهای استانی و وعده های رنگ به رنگ چند سفر انجام شده امکان پذیر شده است و این در حالی است که با واگذاری طرح های عمرانی به بسیج، عملاً بخش مهمی از بودجه

عمران، صرف هزینه های جاری بسیج می شود.»

به این ترتیب باید با قاطعیت گفت، با روی کار آمدن و یا بهتر بگوییم بر گماردن احمدی نژاد به کرسی ریاست جمهوری، غارت و چپاول ثروت ملی توسط سرمایه داری تجاری و نهادهای پوسیده و انگلی ابعادی بی سابقه یافته است و این در شرایطی است که خواست به حق کارگران شرکت واحد برای افزایش حقوق با سرکوب خشن مواجه می شود. دست اندازی و غارتگری سپاه، بسیج و بنیادهای مذهبی و انگلی به قیمت فقر توده های مردم و کاهش بودجه آموزش و بهداشت صورت می پذیرد. در این خصوص، حسینعلی شهرباری عضو کمیسیون بهداشت و درمان مجلس در جمع خبرنگاران به تاریخ ۱۰ بهمن ماه یاد آوری کرد: «آنچه از لایحه بودجه بر می آید، این است که وزارت بهداشت در سال آینده با ۸۷۵ میلیارد تومان کسری بودجه مواجه خواهد شد، یعنی سال آینده باید وزارت بهداشت را تعطیل کرد.»

همچنین به گزارش پایگاه خبری آفتاب، به تاریخ شنبه ۱۵ بهمن ماه، امسال دولت بر خلاف دولت های پیشین بودجه موسسه وابسته به آقای مصباح را به سه و نیم میلیارد تومان افزایش داده است، طبق این افزایش، بودجه این موسسه خصوصی نسبت به سال های گذشته ده برابر گردیده است.

از دیگر پیامدهای عملکرد دولت احمدی نژاد به موازات فربه تر شدن نهادهایی چون سپاه، بسیج و بنیادهای انگلی، گسترش فقر و تیره بختی مردم و موج گرانی فزاینده ای است که اینک پس از شش ماه از آغاز به کار دولت جدید که مدعی عدالت طلبی می باشد کشور را فرا گرفته و نان را از سفره توده های محروم جامعه ربوده است. برخی مطبوعات جمهوری اسلامی طی هفته های اخیر گزارش های متعدد و مستندی را در باره گرانی منتشر ساخته اند. گزارش اخیر بانک مرکزی حاکی از آن است که در هفته های منتهی به ۷ بهمن ماه نسبت به مدت مشابه ماه قبل یعنی در فاصله کمتر از یک ماه قیمت میوه تازه ۲۳۷ درصد افزایش یافته، در همین آمار آمده است، قیمت برنج ۶ درصد و قند و شکر ۴ درصد افزایش را نشان می دهند. در همین حال گوشت قرمز که طی دو دهه اخیر از سبد غذایی کشور به ویژه سبد غذایی زحمتکشان در حال حذف شدن است، طی سه ماه گذشته بیشترین افزایش قیمت را داشت. به گفته مدیر عامل اتحادیه فرآورده های گوشتی، گوشت در سه ماه گذشته رشد ۴۰ درصدی را نشان می دهد و جالب اینجاست وزیر بازرگانی دولت احمدی نژاد این راه حل را برای مردم تجویز کرده است: «ما از مردم تقاضا می کنیم به جای گوشت قرمز از مرغ استفاده کنند.» البته باید به این عنصر مرتجع یاد آوری کرد تهیه گوشت مرغ با توجه به افزایش ۶ درصدی آن در عرض یک ماه برای اغلب خانواده های ایرانی امکان پذیر نیست.

بعلاوه قیمت نان نیز گران شده است، معاون وزیر بازرگانی چندی پیش با صراحت اعلام داشته بود در سال های گذشته هزینه عوامل مختلف تولید نان از جمله هزینه های آب، برق، گاز افزایش یافته و نانوایان با ضرر مواجهند و پخت نان برای آنان صرفه و سود ندارد و افزایش یارانه آرد هم سود نانوایان را تامین نمی کند، به هر حال باسیاست های دولت احمدی نژاد اینک قیمت نان نسبت به گذشته ۳۰ درصد افزایش یافته است.

حاصل عملکرد شش ماهه دولت مهرورزی، تورم افسار گسیخته و موج گرانی است که بیشتر از همه بر سفره خانواده های طبقات محروم و زحمتکش تاثیر گذاشته و می گذارد. در چنین وضعیتی، لایه های معینی از سرمایه داری ایران به شدت تقویت و لایه هایی که با تولید و صنعت سرو کار داشته و بطور عینی به تولید ملی علاقمند هستند، بیش از گذشته تضعیف و منافع آنان به یغما می رود. درگیری شدید میان اتاق بازرگانی و صنایع ایران با اتاق بازرگانی و صنایع تهران که منجر به حذف رییس اتاق بازرگانی تهران، محمد رضا بهزادیان شد و جناح مولف و نمایندگان آن به ویژه خاموشی موقعیت خود را تحکیم کردند، در این راستا قابل ارزیابی است. در این خصوص رییس اتاق تهران، محمدرضا بهزادیان در اوج درگیری ها گفته بود: «بودجه اتاق بازرگانی و صنایع ایران در این سال ها مورد بحث قرار نگرفته و صلواتی تصویب شده است کسانی که ۲۵ سال در اتاق بوده اند (اشاره به نمایندگان

ادامه برنامه اقتصادی دولت ...

سرمایه داری تجاری) میلیارد ها تومان دریافت کرده اند... درد آنهایی که دنبال برکناری (من) هستند، امکانات مالی است تا هزینه های خود را از آن محل تامین کنند.» و یا معاون وی یعنی نایب رییس اتاق بازرگانی تهران طی یک نشست خبری دلایل بحران و درگیری را اینچنین توضیح داده بود: «در کشور ما حرکت عمیق اجتماعی، اقتصادی و سیاسی شروع شد و تحصیل کردگان افزایش یافته اند... این، جریان باعث شده که در بخش کارفرمایان، دیدگاه جدید جایگاه تازه ای بیابند و مایل باشند افکار خویش را مطرح کنند، کما اینکه کشور ما قادر نیست با صادرات سنتی به رقم پیش بینی صادرات برسد، لذا باید صادرات صنعتی رشد یابد و ظرفیت های جدید برای این کار ایجاد شود و این حرکت باعث شد در انتخابات سه سال گذشته اتاق تهران، گروه جدیدی از کارفرمایان جوان و نماینده قشر صنعتی وارد کارزار شوند... قصد ما ایجاد یک اتاق نوین بود، وجود چنین تفکری در سرمایه گذاران نیز امنیت لازم را به وجود می آورد نه اینکه پسر حاجی و بازاری باشند و سریع رشد کنند، حذف هیات ریسه و آقای بهزادیان حذف نوعی نوین گرایی و قشر صنعتی است.» [به نقل از ایسنا ۲۵ دی ماه ۸۴]

پیامد حذف لایه های علاقمند به تولید و فعال در امور صنعت که با حضور دولت احمدی نژاد پیگیرانه دنبال می شود، بیش از پیش به فرو پاشی تولید و نابودی صنایع انجامیده است، به گزارش خبرگزاری ایلنا به تاریخ ۱۷ بهمن ماه، بهترین و مهمترین کارخانه های کشور در شرایط بحرانی به سر می برند. در راستای تقویت لایه های انگلی و دلال و غیر مولد سرمایه داری، خبرگزاری ایلنا در تاریخ ۲۷ دی ماه یکی از مسئولان کانون عالی کارفرمایی طی یک نشست مطبوعاتی خاطر نشان ساخته بود، صنعت گران و کارخانه داران، نماینده ای در هیات مدیره کانون عالی کارفرمایی ندارند، صنعت گران ایرانی خواهان آن هستند که نمایندگانی در کانون های کارفرمایی داشته باشند. این سخنان وضعیت کنونی لایه های صنعتی را که بر اثر عملکرد دولت جدید در تنگنای بیشتر از گذشته قرار گرفته اند، نشان می دهد.

کوتاه سخن: دولت احمدی نژاد با همه توان و امکانات خود در جهت منابع کلان سرمایه داران و بخش های انگلی و دلال سرمایه داری ایران که با سپاه، بسیج و نهادهای پوسیده مرتبط هستند، حرکت و عمل می کند. این دولت زیر پوشش شعارهای عوام فریبانه مدافع بی چون و چرای تجار عمده، دلالان و پاسداران حامی آنهاست!

ادامه منابع نفت و گاز ایران ...

های خارجی فعال در صنایع نفت ایران با استقبال روبرو شد و یکی از مدیران شرکت بریتیش پترولیوم آن راه، آغاز دورانی جدید در صنعت نفت و بطور کلی سیاست انرژی ایران نامید. پیش از این اخبار جسته و گریخته ای در مطبوعات کشور انتشار می یافت، مبنی بر اینکه، شرکت های خارجی فعال در صنایع نفت و گاز ایران به درخواست شرکت ملی نفت ایران برای حضور در مناقصه های مربوط به میادین نفتی و گازی در منطقه جنوب و فلات قاره خلیج فارس پاسخ مثبت نداده و به آن با بی میلی برخورد می کنند.

در این خصوص پایگاه خبری آفتاب، به تاریخ ۳۰ آذر ماه امسال، از قول مدیر عامل شرکت ملی نفت ایران گزارش داد، شرکت های خارجی حاضر به حضور در بازار انرژی ایران نیستند، این مقام مسئول در این باره افزود: «در مناقصه فازهای ۱۵ و ۱۶ پارس جنوبی، برای مدیریت طرح بیش از ۲ میلیارد دلار سرمایه گذاری لازم است، اما بانک های خارجی حاضر به دادن وام های چند میلیاردی به شرکت های ایرانی در این مناقصه نبودند، شرط واگذاری وام حضور شرکت های خارجی اعلام شد، شرکت های خارجی نیز برای مشارکت خود در این طرح، خواست هایی را مطرح کرده اند که باید مورد بررسی قرار بگیرد.»

بنابر این انحصارهای فراملی با پیش شرط حاضر به حضور در صنایع نفت و گاز ایران هستند، یکی از این پیش شرط ها، شراکت در مالکیت منابع است. این گونه اقدام ها در سایه ضعف ناشی از عملکرد دولت احمدی نژاد در عرصه روابط بین المللی پدید آمده و منحصر به یک یا دو مناقصه نیست. در اواسط دی ماه مطبوعات گزارش دادند، شرکت های ژاپنی که امتیاز بهره برداری از میدان عظیم نفتی آزادگان را در چنگ خود دارند، بدون اجازه و یا حتی مشورت با شرکت ملی نفت ایران، ۲۰ درصد از سهم ۷۵ درصدی خود در این بزرگترین میدان نفتی خاور میانه را به دیگر شرکت ها و احتمالاً توتال فرانسه واگذار می کنند. در پی اعلام این خبر بهای سهام توتال در ساعات اولیه روز ۱۲ دی ماه در بورس پاریس افزایش چشمگیری کرد. برخی از مسئولان ژاپنی علت فروش ۲۰ درصد از حق بهره برداری از میدان نفتی آزادگان را حرکتی برای مهار فشار آمریکا بر ژاپن در زمینه همکاری با ایران ارزیابی کرده اند.

میدان نفتی آزادگان با یک هزار و ۴۰۰ کیلومتر مربع وسعت در ۸۰ کیلومتری جنوب غربی شهر اهواز مرکز استان خوزستان قرار دارد و میزان ذخایر نفت آن بیش از ۳۳ میلیارد بشکه تخمین زده می شود. این میدان نفتی بزرگترین میدان شناخته شده نفت در خاورمیانه و دومین میدان نفتی جهان محسوب

می گردد. در ارتباط با اقدام ژاپن مدیر عامل شرکت مهندسی و توسعه نفت یاد آور گردید: ژاپن (شرکت اینپکس) موضوعی را در زمینه واگذاری بخشی از سهام خود به شرکت توتال فرانسه به ما ابلاغ نکرده است. از دیگر سو، برخی کشورهای منطقه نیز از موقعیت ضعیف میهن ما در اوضاع کنونی سوء استفاده کرده و به حریم قانونی منابع نفت و گاز ایران در خلیج فارس دست درازی می کنند. نمونه آخر در این رابطه، اقدام یکجانبه کشور کویت در اکتشاف گاز در یکی از مناطق فلات قاره (خلیج فارس) ایران است. کویت با کمک انحصارهای فراملی (آمریکایی انگلیسی) به اکتشاف در میدان گازی لورا که میان ایران و کویت قرار دارد، اقدام نموده، این میدان گازی دارای بیش از ۲۰۰ میلیارد متر مکعب گاز طبیعی است که عمدتاً در محدوده سرزمینی و قلمروی آبی ایران قرار دارد و پتانسیل تولید روزانه ۱۷ تا ۴۳ میلیون متر مکعب گاز را داراست. این اقدام غیر قانونی کویت، فقط با یک واکنش ضعیف از سوی سخنگوی وزارت خارجه روبرو شد و بس.

پایگاه خبری آفتاب در این زمینه و با توجه به واکنش بسیار ضعیف رژیم نوشت: در سایه دیپلماسی ضعیف دولت کشورهای کوچکی همچون کویت هم جرات دست درازی به حریم جمهوری اسلامی را پیدا کرده و رسماً اعلام می کنند با وجود عدم دستیابی به توافق با طرف ایرانی کار اکتشاف گاز را در یکی از مناطق فلات قاره (خلیج فارس) ایران آغاز کرده اند. در کنار این مساله، باید به فروش ارزان و پایین تر از نرخ جهانی نفت و گاز کشور اشاره کرد. هادی نژاد حسینیان معاون امور بین المللی وزارت نفت و امور دریایی خزر در تاریخ ۱۸ دی ماه طی مصاحبه ای با روزنامه شرق در مورد قیمت گاز در معامله با چین از جمله اعتراف می کند: «قاعدتاً مشتری های ما ترجیح می دهند که گاز را با قیمت های ارزان تری دریافت کنند (البته وی به علت این امر اشاره نمی کند) ... خصوصاً چینی ها می گفتند که چون ۷۵ درصد انرژی مصرفی آنها زغال سنگ است و این ماده سوختی هم در چین خیلی ارزان است، پس باید قیمت گاز وارداتی به گونه ای قابل رقابت (ارزان تر از نرخ جهانی) باشد...» و این در حالیست که بسیاری از کشورهای صادر کننده گاز نظیر امارات متحده عربی، ترکمنستان، ازبکستان و روسیه در ماه های اخیر نه تنها گاز خود را ارزان به فروش نرسانده اند، بلکه بر نرخ آن افزوده اند. به طور

آزادی برای همه زندانیان سیاسی ایران



رفیق آندروس کپیریانو

اتحادیه اروپا برای حل معضلات اجتماعی-سیاسی خاورمیانه در سال‌های اخیر پرداخت. او متذکر شد که تمامی این طرح‌ها در اساس به نوعی با هم مرتبط بوده و در خدمت یک استراتژی عمده محوری می‌باشند. «ابتکار برای همکاری با خاورمیانه» که در سال‌های اخیر از سوی وزارت

شرکت هیئت نمایندگی حزب توده ایران در کنفرانس

«نظم نوین جهانی» و مهر آن بر

طرح «خاورمیانه بزرگ»

نیکوزیا - قبرس - ۴ آذرماه ۱۳۸۴

کنفرانس احزاب کمونیست، چپ و مترقی جهان که در روز ۳ آذرماه به ابتکار آکل، حزب مترقی زحمتکش قبرس، برگزار گردید، به بررسی نقادانه «نظم نوین جهانی» تحمیلی از سوی امپریالیسم و عواقب آن در خاورمیانه و به ویژه طرح «خاورمیانه بزرگ» پرداخت. به دعوت رهبری آکل ۴۷ حزب چپ و کمونیست در این کنفرانس مهم حضور پیدا کردند. حضور هیئت‌های نمایندگی رسمی حزب کمونیست چین، حزب کمونیست فدراسیون روسیه و احزاب کمونیست اکثر کشورهای منطقه در این کنفرانس که در برهه حساسی از تحولات خاورمیانه برگزار می‌شد، اهمیت ویژه‌ای می‌داد. رفیق «آنجلو آلوس» نماینده کمیته مرکزی حزب کمونیست پرتغال در سخنرانی خود در کنفرانس اهمیت آن را در قالب جملات زیرمورد توجه قرار داد: «موضوع مرکزی این کنفرانس مطمئناً به درکی بهتری از شرایط دشواری که مردم منطقه در آن زندگی و مبارزه می‌کنند، کمک خواهد کرد. امروز مبارزات بسیار مهمی در خاورمیانه و آسیای مرکزی در جریان است که نتایج آن نه فقط برای این منطقه بلکه برای همه بشریت اهمیت دارد. اگرچه امروزه خلق‌های چندین منطقه جهان با تهدیدها، مداخله جویی‌ها، تهاجم اقتصادی، اجتماعی و سیاسی امپریالیسم مواجه هستند، در خاورمیانه آن‌ها مورد تهاجم قدرتمندترین ارتش‌های جهان نیز هستند که از توسعه یافته‌ترین فن‌آوری‌ها بهره‌مندند. افزون بر این مردم این منطقه هدف ارتجاعی اقدامات سرکوبگرانه‌ای که پایه‌ی‌ترین اصول حقوق بشر و مقاله‌نامه‌های بین‌المللی را نقض و مخدوش می‌کند، نیز قرار دارند.

سخنان رفیق امیلی نفاع، عضو هیئت سیاسی حزب کمونیست اردن، در رابطه با عواقب «نظم نوین جهانی» بیانگر خط محوری تحلیل اکثر احزاب شرکت‌کننده در کنفرانس بود. رفیق نفاع تأکید کرد که: «دکترین جهانی شدن که توسط دولت‌های ثروتمندترین کشورهای جهان موعظه می‌شود، به معنای پیشرفت نیست، و این امکان را برای تمامی بشریت فراهم نمی‌کند که از پیشرفت‌های فن‌آوری و اقتصادی بهره‌مند شوند. «نظم نوین جهانی» متأسفانه نمایشگر اعمال شکل‌گرفته‌ی جدیدی از استثمار و استعمار کشورهای عقب‌مانده توسط پیشرفته‌ترین کشورها است.»

کنفرانس با پیام خوش‌آمد رفیق دمیتریس کریستوفیاس، دبیر کل آکل و رئیس پارلمان قبرس، کار خود را آغاز کرد. در سخنرانی افتتاحیه کنفرانس، رفیق آندروس کپیریانو، عضو هیئت سیاسی و مسئول شعبه روابط بین‌الملل آکل، به طور مفصل درباره ضرورت بحث و تبادل نظر نیروهای مترقی را در رابطه با «درک بهتر مسایل جدی‌یی که کشورهای خاورمیانه و شمال آفریقا را در وضعیت دشواری قرار داده است» تأکید کرد. رفیق کپیریانو ضمن توضیح دقیق جوانب مختلف سیاست‌ها و عملکرد ایالات متحده در رابطه با کشورهای منطقه به «تجدید نظر» تحمیلی از سوی امپریالیسم آمریکا «در اصول پایه‌ی عدالت و قوانین بین‌المللی و از جمله احترام به استقلال و حق حاکمیت کشورها، و حق خلق‌های جهان به انتخاب رهبران و راه‌های توسعه خود» اشاره کرد. او تصریح کرد که: «هدف مداخله آمریکا در خاورمیانه، تضمین کنترل سیاسی و نظامی منطقه، و همچنین منابع طبیعی منطقه است.»

به گفته رفیق کپیریانو: «بررسی اوضاع کنونی در بیشتر کشورهای خاورمیانه و ورای آن، نمایشگر یک وضعیت دشوار اقتصادی و اجتماعی است. فقر، بیکاری در میان جوانان، بن‌بست‌ها، رکود و فقدان دموکراسی در منطقه به وفور به چشم می‌خورد. البته هر کشوری شرایط ویژه خود را دارد که ناشی از تاریخ متفاوت و واقعیت‌های سیاسی آن‌ها است.» رفیق کپیریانو آنگاه پس از ارائه توضیح جامعی در رابطه با تروریسم و ریشه‌های آن، به بررسی طرح‌های پیشنهادی ایالات متحده، ناتو و

خارج ایالات متحده مطرح و دنبال شده، در اساس همان طرح «خاورمیانه بزرگ» است که خود بر پایه تصمیم‌گیری‌های مشترک گروه ۸ کشور بزرگ سرمایه‌داری جهان، تنظیم شده است. در «ابتکار برای همکاری...» برخی اصلاحات مورد توجه قرار گرفته است که بر دو محور اساسی متمرکز می‌باشند: ارتقاء مدل اقتصاد بازار آزاد و ارتقاء دموکراسی، البته بر پایه مدل غربی. این دو محور عملاً درهم تنیده‌اند. رفیق کپیریانو متذکر شد که طراحان و حامیان این طرح فرض را بر این گذاشته‌اند که یک اقتصاد بازار آزاد تقریباً به شکل اتوماتیک به دموکراسی منجر خواهد شد، و آن هم از طریق ایجاد یک طبقه اجتماعی‌یی که در راستای دموکراتیزه کردن حیات جامعه عمل خواهد کرد. این البته فرض را بر قبول و اتخاذ یک سری ارزش‌ها و برخورد‌های ایدئولوژیک می‌گذارد که از مداخله غرب در این جوامع حمایت کرده و آن را مشروع و قابل قبول می‌داند.»

رفیق کپیریانو، در بخش بعدی سخنان خود به نقش‌های کلیدی ترکیه و اسرائیل در طرح استراتژیک آمریکا برای خاورمیانه اشاره کرد. «ترکیه، به ویژه به عنوان یک کشور اسلامی با یک سیستم دولتی سکولار دموکراتیک معرفی می‌شود. در این چارچوب است که می‌توان کمک‌همه‌جانبه به ترکیه را و همچنین تحمل سیاست‌های تحریک‌آمیز اسرائیل و ترکیه از سوی آمریکا را درک کرد. بخاطر این نقش ویژه است که ایالات متحده تمامی وزن‌ش را در حمایت و پشتیبانی از این دو کشور قرار می‌دهد، حتی اگر آن‌ها قوانین بین‌المللی و تصمیم‌های اتخاذ شده توسط سازمان ملل را نقض کنند.»

رفیق کپیریانو پس از بررسی مشخصه‌های طرح‌های ایالات متحده و اتحادیه اروپا به ضرورت اینکه اتحادیه اروپا موضعی مستقل از ایالات متحده اتخاذ کند، اشاره کرد و گفت: «کشورهای اتحادیه اروپا مستقیماً از تبعات مسأله خاورمیانه و شمال آفریقا متأثرند. بنابراین راه حل‌های نظامی در منطقه به نفع اروپا نیست. ما معتقدیم که برای استمرار و اثربخشی قدم‌هایی که به سمت توسعه اقتصادی و دموکراتیزه شدن خاورمیانه بزرگ برداشته می‌شود، سه پیش‌شرط باید برآورده شود: حل مسأله فلسطین، خاتمه اشغال عراق و حل مسأله قبرس.» رفیق کپیریانو در انتها نقطه نظر آکل در رابطه با خاورمیانه را به شکل زیر فرمولبندی کرد: «ما معتقدیم که احزاب چپ و مترقی می

ادامه شرکت هیئت نمایندگی حزب ...

توانند عمل خود را بر پایه مواضع اصولی نظیر مخالفت با جنگ های امپریالیستی، رواج صلح در تمامی منطقه با توجه لازم به مسأله فلسطین، و دفاع از قوانین بین المللی به مثابه تنها چارچوب حل اختلافات، و مخالفت با هرگونه اقدامی برای سرکوب خلق ها، نظیر طرح «خاورمیانه بزرگ» سازمان دهی کنند.

در سخنرانی نماینده کمیته مرکزی حزب مان پس از قدردانی از کوشش های آکل در سازماندهی و میزبانی این ابتکار و همچنین کارزار پیگیر رفقای قبرسی در حمایت از مبارزه برحق مردم فلسطین، محوری ترین نقطه نظرهای حزب توده ایران مطرح گردید. نماینده حزب مان در چارچوب نقد سیاست کشورهای سرمایه داری در سال های اخیر و تحمیل «نظم نوین جهانی» در دوره پس از فروپاشی سوسیالیسم در اتحاد شوروی و اروپای شرقی، «یکی از مشخصه های عمده تحولات جهان در سال های اخیر را توجه ویژه و برنامه های پر دامنه ایالت متحده و متحدان ناتویی آن در قبال منطقه خاورمیانه دانست. امپریالیسم از دیرباز در تلاش برای تامین کنترل همه جانبه و بلامنزاع این منطقه حساس جهان که در بردارنده منابع مهم انرژی و نیز بازارهای دست نخورده می باشد، بوده است. در دوره پس از فروپاشی اتحاد شوروی که مانعی جدی و استراتژیک برای موفقیت برنامه های امپریالیسم در این منطقه بود، کوشش های ایالات متحده و متحدان آن ابعاد کیفیتاً جدیدی یافته است. خاورمیانه به دلیل موقعیت استراتژیک مهم آن، اهمیت فراوانی برای طرح های امپریالیسم داراست. محافظه کاران حاکم در واشنگتن از دیرباز برنامه تغییر جغرافیای سیاسی خاورمیانه را مد نظر داشته اند. برگزاری اولین کنفرانس منطقه ای سازمان تجارت جهانی در امان (پایتخت اردن) در سال ۱۹۹۴ تصادفی نبود. طرح «خاورمیانه بزرگ» را در حقیقت باید ادامه دهنده و دربر دارنده نکات محوری این کوشش های امپریالیستی برای کنترل استعماری این منطقه دانست. هدف تلاش های برنامه ریزی شده امپریالیسم آمریکا بر خلاف مدعیات سران ایالات متحده در رسانه ها مبنی بر «گسترش دموکراسی و حقوق بشر»، تضمین کنترل سیاسی این منطقه حساس برای این کشور و بهره گیری آن از منابع سرشار نفتی منطقه برای به زانو در آوردن رقبای اقتصادی خود است. آنچه که درک آن در حال حاضر اهمیت دارد، اینست که ایالات متحده توجه خود را مشخصاً بر روی خاورمیانه متمرکز کرده است، چرا که این منطقه و به خصوص کشورهای حوضه خلیج فارس دارای منابع نفتی عظیم اند و ایالات متحده نشان داده است که به سادگی دست از این منطقه برنخواهد داشت. کنترل برخی از کشورهای منطقه توسط ایالات متحده، از سویی دسترسی به منابع نفتی را برای آن مقدور می سازد و از سویی دیگر از نظر جغرافیایی تسلطی حیاتی را بر روی امکانات ارتباطی بین کشورهای این منطقه ایجاد می کند. این کشورها بهترین موقعیت را برای انتقال ذخایر نفت و گاز این کشورها به غرب فراهم می سازند

و از این رو آمریکا می تواند با کنترل کامل بر روی استخراج و قیمت آن، حتی سایر کشورهای امپریالیستی رقیب خود را نیز تحت فشار قرار دهد.

در ادامه کنفرانس ژاک فتح، از مسئولین عالی رتبه حزب کمونیست فرانسه، در سخنرانی خود نکات نویی را مورد تأکید قرار داد، او ضمن تحلیل مشخصه های سیاست آمریکا و متحدان اروپایی آن به تشریح وظایف نیروهای مترقی پرداخت. به گفته او: «خاورمیانه بزرگ» پروژه ای است که در واقع برای اعمال استراتژی آمریکا در رابطه با منطقه یی بسیار مهم، جائیکه واشنگتن منابع، تعهدات و مشکلات قابل ملاحظه ای دارد، است. رفیق فتح نقطه نظر های خود را به این ترتیب جمع بندی کرد: «۱. بر رغم پوشش ایدئولوژیک فریبنده ای (نظیر ارزش های آمریکایی، دموکراسی، صلح، و ...) که در بسته بندی این پروژه بکار برده شده، ما امروز شاهد رد این سیاست ها در خاورمیانه هستیم. ۲. سیاست «خاورمیانه بزرگ» عمدتاً متوجه دفاع از منافع آمریکا است. خاورمیانه بزرگ منطقه مورد علاقه آمریکا جهت مداخله در دفاع از این «منافع» است. ۳. چه ایده هایی می تواند به مثابه کاربایه مشترک کمونیست ها، ترقی خواهان و همه آن نیروهایی که می خواهند در مسیر ایجاد دگرگونی های مردمی عمل کنند، در نظر گرفته شود. در رابطه با سومین محور او ضرورت حل مسأله «محوری» درگیری اسرائیل و فلسطین، جنگ و اشغال عراق، مسأله تروریسم، و تفکر در رابطه با مفهوم امنیت بر پایه برتری اقدامات سیاسی و بازدارنده، در

مقابل سیاست های مبتنی بر استفاده از زور و تأکید بر قدرت را مورد توجه قرار داد.» رفیق فتح در رابطه با ضرورت مبارزه برای دموکراسی در منطقه گفت: «در نهایت می خواهم خیلی صریح بگویم که اگر می خواهیم بر مشکلی که غالباً مانع حرکت نیروهای مترقی، هم کمونیست ها و هم دیگران، در جستجوی یک جایگزین واقعی می شود، و حرکتمان را کند و بطئی می کند، فایق آئیم، باید از خودمان حساسیت نشان دهیم. من فکر می کنم که ما نمی توانیم از عرصه مبارزه برای دموکراسی، برای تغییرات داخلی، تحت عنوان برتری مقابله با سیاست های امپریالیستی دولت آمریکا، غفلت کنیم و یا اینکه اهمیت آن ها را کم قلمداد کنیم، بخصوص در کشورهایی که رژیم های دیکتاتوری، ضددموکراتیک و یا کهنه گرا حاکم می باشند. ما به همگرایی همه نیروهای ضدامپریالیستی در تمامی مسایلی که می باید جایگزینی در مقابل سرمایه داری تشکیل دهد، از جمله نیاز به دموکراسی که باید با تمام قدرت در همه کشورها طالب آن باشیم، نیاز داریم. این برخوردی است که می تواند بطور موثر با تز «تصادم تمدن ها» که سیاست آمریکا بطور خطرناکی آن را تغذیه می کند، مقابله کند. به نظر می رسد که این دید مدافع همگرایی مبارزه امروز دست بالا را می گیرد. آن هایی که می خواستند ما را در مقابل یک انتخاب که فقط دو مولفه کاملاً متضاد دارد، یا طرفداری از صدام و دیکتاتوری و یا دفاع از بوش و دموکراسی قرار دهند، توسط یک جنبش توده ای که مفهوم قدرتمندتر و پایه ای تر مبارزه برای رهایی و آزادی را در وحدت با خواسته های صلح، آزادی و عدالت، تحمیل می کند، شکست خورده اند. ولی مهم این است که ما عرصه این امر را محدود و ناچیز قلمداد نکنیم. اعتبار ما وابسته به اینست که حساسیت ما در رابطه بادموکراسی در همه شرایط، و در کوشش برای جمع آوردن و اتحاد بخشیدن به همه نیروهایی که مانند ما می خواهند، شرایط ملی و بین المللی را برای تغییر واقعی ایجاد کنند، حفظ شود.»

در بخش پایانی کنفرانس دو قطعنامه در «همبستگی با مردم فلسطین» و «همبستگی با مردم عراق» به بحث گذاشته شد و به تصویب رسید. به پیشنهاد هیئت نمایندگی حزب مان در بخشی از این قطعنامه مسأله مبارزه مردم میهن مان مورد تأکید قرار گرفت. این بخش قطعنامه مصوبه کنفرانس بیان می دارد: «ما به موازات حمایت از مبارزه برحق مردم فلسطین برای تاسیس دولت مستقل خود به پایتختی بخش شرقی بیت المقدس (اورشلیم)، بیانیه های شدیدالحن و پرخاشگرانه ایالات متحده بر ضد سوریه و ایران را محکوم می کنیم. کنفرانس مخالف هرگونه تهدیدی از سوی امپریالیسم آمریکا در منطقه، مانند موارد سوریه و ایران بوده، و همبستگی خود را با مبارزه مردم این کشورها برای حقوق دموکراتیک، صلح و عدالت اجتماعی اعلام می کند.»

ادامه سیمای ایران ۲۷ سال

ادامه منابع نفت و گاز ایران ...

مثال ازبکستان از ابتدای سال نو میلادی قیمت گاز برای همسایگان خود، از جمله تاجیکستان را افزایش داده است. مسئولان دولت ازبکستان درست بر خلاف دست اندرکاران و مسئولان جمهوری اسلامی که دائماً بر اثر ضعف و ناتوانی ناشی از عملکرد و سیاست های رژیم چوب حراج را به منابع حیاتی نفت و گاز می زنند، اعلام داشته اند: بالا رفتن قیمت گاز از سوی ازبکستان روندی طبیعی و منطقی است که در پی افزایش قیمت نفت و مواد سوختی در جهان قابل توجیه است. یکی از آخرین نمونه ها قرار داد صادرات گاز به شیخ نشین امارات متحده عربی است، به گزارش خبرگزاری ایسنا به تاریخ ۱۰ بهمن ماه امسال، رییس کل دیوان محاسبات کشور طی یک نشست مطبوعاتی اعلام داشت: «قرار داد صادرات گاز به امارات موجب ضرر ۲۱ میلیارد دلاری کشور ظرف ۲۵ سال می شود... قرار داد صادرات گاز ایران به امارات با سرمایه گذاری ۶۰۰ میلیون دلاری منعقد شده است.»

قیمت گاز طبق این قرار داد در ۷ سال اول با نرخ نفت ۱۸ دلار محاسبه و بعد از این مدت به نرخ ۴۰ دلار تعیین شده، امارات متحده مجموعاً از این قرار داد ۸ میلیارد دلار سود می برد، که ۴ میلیارد دلار آن نصیب شرکت دلال و بی نام و نشان کرست می شود.

رییس کل دیوان محاسبات کشور سپس افزود: «اصولاً قراردادهای نفت و گاز بین مسئولان دو دولت امضاء می شود، اما در این قرارداد یک شرکت دلال وارد بازی شده و طرف حساب است، یکی از تخلفات موجود در این قرار داد ثابت نگاه داشتن قیمت فروش گاز به امارات است، شرکت کرست هیچ گونه سابقه فعالیت در زمینه های نفت و گاز نداشته و پس از عقد قرارداد نیز تمام مراحل انجام را به شرکت «دانا گاز» که توسط چند ایرانی و عرب تاسیس شده واگذار کرده است، تنها فردی از ایران که در این شرکت (دانا گاز) ۱ میلیارد سهام داشت ظرف مدت ۵ ماه، بیش از ۵ میلیارد دلار سود کرد...» بنابه گفته این مقام مسئول، سال گذشته رییس جمهور وقت (محمد خاتمی) در شورای امنیت برای بررسی این قرار داد تشکیل جلسه داد، اما این قرارداد فسخ نگردید. بر اساس برخی گزارشات، در این قرارداد ضد ملی پای سپاه پاسداران، بنیاد غدیر که گروهی از سران رژیم نظیر جنتی، رفسنجانی، خزعلی و یزدی... در هیات اماناء و مدیریت آن حضور دارند، در میان است و به همین دلیل دولت قبلی قادر به منتفی نمودن این قرارداد نشده بود. از دیگر مسایلی در رابطه با وضعیت وخیم صنایع نفت و گاز ایران، واردات بنزین و هزینه هنگفت آن است که به جیب برخی انحصارها و دولتهای اروپایی سرازیر می شود. به گفته مدیر عامل شرکت ملی پخش فرآورده های نفتی، بودجه سال آینده واردات بنزین ۴ میلیارد دلار است که بر اساس واردات روزانه ۳۴ میلیون لیتر پیش بینی و در لایحه بودجه دولت احمدی نژاد گنجانده شده است. به این ترتیب در آمد کشور از صدور و فروش نفت و گاز دوباره توسط رژیم ولایت فقیه برای وارد کردن بنزین به انحصارهای امپریالیستی باز می گردد و در واقع آنها برندگان اصلی افزایش قیمت های نفت در بازار جهانی هستند. وضعیت منابع سرشار نفت و گاز با توجه به سیاست های ضد ملی مرتجعان حاکم بسیار نگران کننده است، رژیم ولایت فقیه با سیاست مخرب خود نه تنها فرصت های بزرگ و استثنایی را از کف میهن ما ربوده، بلکه سبب گردیده، ایران موقعیت خود را به عنوان یکی از بازیگران اصلی انرژی فسیلی در جهان رفته رفته از دست داده و حتی با توجه به اوضاع جهانی، حق حاکمیت و مالکیت بر میادین نفت و گاز را نیز به انحصارهای امپریالیستی وا می گذارد. آنان که شعار نفت بر سر سفره مردم را سر می دادند، ظاهراً بیش از گذشته سفره شرکت ها و انحصارهای فراملی را با نفت و گاز ایران رنگین ساخته و می آریند!

دادند تا اقتدار این ملت بزرگ و ریشه دار را به اقتدارگرایان بین المللی نشان دهند و بر هدفها و آرمانهای بلند خود پای بفرسند. سخنان رئیس جمهور محترم، حرف دل مردم بود و یکبار دیگر پیوند فکری و عاطفی میان ملت و دولت را به نمایش گذاشت.» احمدی نژاد نیز در پیام مشابهی از جمله مدعی شد که: «ملت ایران دیروز در سراسر کشور به صراحت خواسته خود را برای بهره مندی صلح آمیز از انرژی هسته ای به جهانیان اعلام کرد و مصرانه خواهان بهره برداری از همه ظرفیت های استفاده صلح آمیز از انرژی هسته ای در زمینه های، پزشکی، صنعتی، نیرو و کشاورزی شد.» احمدی نژاد در سخنانی که روز چهارشنبه از سوی خبرگزاری ایسنا مخابره شد همچنین افزود: «گاهی اوقات مسیر حرکت یک ملت به سوی توسعه و پیشرفت همچون کلاف سردرگمی است که انسان را از تحقق اهداف ناامید می کند اما به یکباره با گشوده شدن یک گره همه این کلاف گشوده و باعث تحول در همه عرصه ها می شود... دستیابی موفق ملت ایران به دانش صلح آمیز هسته ای سبب خواهد شد تا کشور در همه عرصه ها به تحول و پیشرفت دست یابد.» به عبارت روشن تر همه مسایل و مشکلات کشور تحت الشعاع بحران هسته ای قرار گرفته است. تأمل در چنین مدعیاتی پرده از ماهیت واقعی سیاستی که رژیم در ماه های اخیر دنبال کرده است بر می دارد. ما در هفته های اخیر پارها اشاره کرده ایم که سیاست اخیر رژیم نه در راستای حفظ منافع ملی کشور بلکه در راه حفظ منافع رژیم استبدادی و به منظور تثبیت آن در پیش گرفته شده است. در پس پرده دود تبلیغاتی «دفاع از منافع ملی ایران» و «عزت و سربلندی ایران» برنامه بهره وری از تشنج بین المللی به منظور توجیه سیاست های مخرب داخلی است که در ماه های اخیر به سرعت از سوی دولت جدید تمامی دست آوردهای جنبش مردمی و تلاش های نیروهای میهن دوست کشور را هدف قرار داده است. باید با هوشیاری واقعیات پشت شعارهای عوام فریبانه ضد آمریکایی رژیم را که به منظور منحرف کردن افکار عمومی ایران و جهان به کار گرفته می شود، افشاء کرد و تأکید نمود که رژیم عمیقاً ضد مردمی و سرکوبگر نمی تواند منافع ملی میهن ما را حفظ نماید. همان طور که ما به دفعات اشاره کرده ایم سیاست های ماجراجویانه سران رژیم عملاً تنها به نفع سیاست های جنگ طلبانه امپریالیسم و محافل جنگ طلب در واشنگتن و اروپا عمل می کند. افشای این سیاست ها و مبارزه با آن دفاع از منافع ملی میهن ما و مبارزه در راه جلوگیری از یک فاجعه دیگر نظامی در منطقه خاورمیانه است. نظامی و پلیسی کردن حیات کشور در کنار بالا گرفتن موج سرکوب خشن بر ضد مخالفان که از نمونه های اخیر آن می توان به یورش وحشیانه مزدوران مسلح رژیم به فعالان جنبش سندیکایی و کارگران شرکت واحد و همچنین حمله روز ۲۵ بهمن ماه نیروهای انتظامی به درویش های نعمت الهی و مردمی که به حمایت از آنها در خیابان ارم در گرداگرد حسینیه متحصن شده بودند، در کنار ادامه موج دستگیری ها، فشار و تصویب فعالان جنبش دانشجویی و ادامه یورش به مطبوعات مستقل اشاره کرد.

واقعیت این است که ایران ۲۷ سال پس از پیروزی انقلاب بهمن ۵۷، در بحران عمیق سیاسی - اقتصادی دست و پا می زند. شکست برنامه اصلاح رژیم ولایت فقیه از درون که پس هشت سال با خاتمه ریاست جمهوری سید محمد خاتمی با نتایج ناچیزی به پایان رسید، نشانگر این واقعیت عینی است که رژیم ولایت فقیه معضل اساسی بی است که در برابر مردم و نیروهای سیاسی کشور ما قرار دارد. تجربه هشت سال اخیر نشان داده است که بلیه انشقاق و چند دستگی نیروهای آزادی خواه و اصلاح طلب، در کنار ضعف جدی سازمان یافتگی نیروهای اجتماعی مهمترین معضلی است که جنبش مردمی میهن ما با آن روبه روست. ارتجاع به خاطر نبود یک حاکمین عملی، مترقی و ملی توانسته است با انواع مانورها بر بحران های سیاسی - اقتصادی (هرچند کوتاه مدت) غلبه کند و به حیات خود ادامه دهد. شکست بن بست کنونی و راه گشایی به سمت تغییر توازن قوا به سمت جنبش مردمی تنها با مبارزه سازمان یافته و متحد همه نیروهای آزادی خواه و گردان های اجتماعی میسر است. درس بزرگ انقلاب بهمن ۵۷ این بود که نیروی منسجم و سازمان یافته توده ها توان در هم شکستن ماشین نظامی سرکوب را دارد. به کاری گیری این تجربیات گرانبها در این روزهای سخت و بحرانی بیش از پیش حائز اهمیت است.

ادامه مصاحبه «نامه مردم» با رفیق سلام....

شرکت داشتند برای انجام تحقیق در امر انتخابات به عراق اعزام شد. گزارشی که این تیم منتشر کرد، اتهام خدشه دار بودن انتخابات به علت تقلب گسترده و بی نظمی را به روشنی اثبات کرد. کمیسیون انتخابات که ضعف عمده ای در سازمان و کارکردش وجود داشت، مجبور شد نتایج ۲۲۷ صندوق رأی را باطل کند. اگرچه که این ابطال تفاوتی در نتیجه نهایی انتخابات نمی کرد، ولی این امر نشان داد که نتایج انتخابات بازتاب حقیقی توازن سیاسی نیروها در عراق نیست و بنابراین، نمی شود در امر تشکیل دولت اتحاد ملی آتی، تنها این معیار را در نظر گرفت؛ باید بر این خواست پای فشرده که وفاق ملی عامل اصلی دیگری در این فرایند باشد. نتایج نهایی تا آنجایی که قطعی شده است را می توان به صورت زیر جمع بندی کرد:

ائتلاف متحد عراق: ۴۷ درصد - ۱۲۸ کرسی

ائتلاف کردستان: ۱۹ درصد - ۵۳ کرسی

جبهه آشتی ملی: ۱۶ درصد - ۴۴ کرسی

لیست ملی عراق: ۹ درصد - ۲۵ کرسی

شورای گفتمان ملی: ۴ درصد - ۱۱ کرسی

روشن بود که عملکرد لیست ملی عراق پایین تر از حد انتظار بود، که علت اصلی آن به نظر ما ایجاد جو منفی در روزهای پیش از برگزاری و در جریان برگزاری انتخابات بود. این جو بیشتر از هر گروه دیگری به لیست ملی عراق صدمه زد چرا که در تمام استان ها حضور داشت و رقیب اصلی ائتلاف متحد محسوب می شد. لیست های انتخاباتی دیگر، بیشتر ماهیت قومی و فرقه ای داشتند تا ملی، و در مناطق خاصی پایگاه و حضور داشتند. برآوردهای انجام شده بر اساس عملکرد گروه های تشکیل دهنده لیست ملی عراق در انتخابات ماه بهمن (ژانویه) گذشته حاکی از آن بود که این لیست دست کم ۱۵ درصد آرا به دست خواهد آورد.

سؤال: به نظر شما برآمد تحولات از لحاظ شکل قوه اجرایی و دولت جدید چگونه خواهد بود؟

پاسخ: حزب ما مدت ها پیش از انتخابات خواهان استقرار یک دولت وحدت ملی به عنوان تنها راه ممکن برای حل و فصل چالش های عمده و مسائل میرم غالب بر کشور شد (همان گونه که در پاسخ به پرسش اول اشاره شد). امروزه این نظر، اگرچه با تغییراتی و با تأکید بر نکاتی مختلف، در کل مورد پذیرش بازیگران عمده سیاسی قرار گرفته است. برخی مثل ائتلاف متحد در عوض تکیه بر اصل وفاق ملی، خواستار تشکیل دولتی مبتنی بر "مشارکت" شدند. این هم باز تلاشی است برای کاربرد معیارهای قومی - فرقه ای به عنوان اساس تشکیل دولت. هدف این تاکتیک اغوای گروه های سنی (جبهه آشتی ملی) است، در حالی که گروه های دموکراتیک غیر مذهبی را مستثنا می کند و به حاشیه می راند. موضوع قابل توجه این است که ائتلاف متحد دیگر دارای آن اکثریت نیست که در مجمع عمومی قبلی داشت. به علاوه، مجموع آرای این گروه و ائتلاف کردستان در حد اکثریت دو سوم لازم برای تشکیل دولت نیست. بنابراین برای تشکیل دولت یک ائتلاف وسیع تر لازم است. افزون بر این، ائتلاف کردستان به شرکت دادن هر چهار لیست اصلی، از جمله لیست ملی عراق، تمایل نشان داده است.

عامل مهم دیگری که بر موضع برخی از گروه های سیاسی تأثیر دارد، سیاست آمریکا و به ویژه مشکلات عدیده ای است که دولت این کشور در داخل با آن رو به روست. استراتژی خروج [از عراق] و مسأله جدول زمانی بیرون کشیدن نیروهای نظامی از جمله موضوع هایی هستند که در ماه های آینده شدت و حدت خواهند یافت. نیروهای سیاسی عمده عراق چالش های دشواری در پیش رو دارند و مدتی طول خواهد کشید تا سرانجام دولت تازه ای به منصه قدرت برسد.

(ژانویه ۲۰۰۶) و همه پرسى قانون اساسی پاییز گذشته که در آنها درصد شرکت کنندگان به ترتیب ۵۸ و ۶۳ درصد بود، در انتخابات اخیر درصد رأی دهندگان به ۷۰ درصد افزایش یافت. این یکی از مهم ترین جنبه های مثبت این انتخابات بود که نمایانگر وجود یک روند مستمر در جهت شرکت فزاینده مردم در فرایند های سیاسی کشور است. گروه هایی که انتخابات قبلی را تحریم کرده بودند این بار تغییر روش دادند و تصمیم گرفتند بر فراگرد بازسازی کشور و نهاد های دولتی عراق از داخل تأثیر بگذارند. این ویژگی اهمیت بسزایی در ترسیم چشم انداز فرایندهای سیاسی کشور و حل و فصل مسائل عمده ای داشت که عراق با آنها رو به روست.

به رغم خشونت گسترده و تقلبی که روند انتخابات را خدشه دار کرد، شرکت گسترده مردم در روز انتخابات یک بار دیگر عزم اکثریت کوبنده مردم را برای بیان خواست هایشان به شکلی دموکراتیک نشان داد. هنوز می توان امید زیادی به فرایند سیاسی به عنوان تنها راه ممکن برای بیرون رفتن از بحران و دستیابی به صلح، ثبات، بازسازی و استقرار نهادهای دموکراتیک داشت.

سؤال: حزب کمونیست عراق جزو ائتلاف «لیست ملی» در انتخابات شرکت کرد. موضع سیاسی عمده ای که این نیروها را در ائتلاف «لیست ملی» متحد می کرد چه بود؟ دیگر مدعیان عمده قدرت سیاسی چه کسان یا گروه هایی بودند؟

پاسخ: حزب کمونیست عراق برای ایجاد یک بلوک انتخاباتی غیرمذهبی دموکراتیک با شرکت نیروهای چپ و لیبرال، بر اساس یک برنامه میهن دوستانه و دموکراتیک، تلاش فراوانی کرد. تجربه انتخابات قبلی (۱۰ بهمن ۸۴) مؤید تأثیر منفی چند پارگی و تفرقه نسبی در اردوگاه دموکراتیک بر نتیجه [انتخابات] بود. بررغم کمبودها و برخی محدودیت های گروه های شرکت کننده، این تلاش ما به طور عمده با هدف از میان بردن قطب بندی قومی - فرقه ای در حیات سیاسی کشور بود که خطری است مهلک برای چشم انداز آینده دموکراسی در عراق. در نتیجه بحث و گفتگو بین بسیاری از این گروه ها، به ویژه در جریان کنفرانس وحدت ملی در بغداد در اواخر سال میلادی گذشته، لیست [انتخاباتی] ملی عراق شکل گرفت. این مجموعه شامل ۱۵ گروه و ۴ لیست بود که در انتخابات قبلی شرکت کرده بودند (از جمله «اتحاد خلق» به رهبری حزب کمونیست عراق). دیگر بلوک های سیاسی عمده شرکت کننده در انتخابات عبارت بودند از: ائتلاف کردستان (دو حزب عمده گرد و متحدانشان)، جبهه وفاق ملی (شامل حزب اسلامی عراق و دو گروه دیگر اسلامی سنی)، و شورای ملی گفتمان (ملی گرایان؛ از قراری در ارتباط با بعضی های سابق).

سؤال: اکنون تقریباً ۴ هفته از برگزاری انتخابات می گذرد. نتیجه آن چه بوده است؟ ائتلاف «لیست ملی» چقدر رأی آورده است؟ تحلیل شما از نتیجه ای که انتخابات برای حزب کمونیست عراق داشت چیست؟

پاسخ: به علت اعتراض های شدید عمومی نسبت به بی نظمی ها و خشونت ها، اعلام نتیجه انتخابات با تأخیر زیادی انجام شد. سازماندهی اعتراض های توده ای توسط مرکزی انجام شد که ۵۰ گروه را زیر چتر خود داشت. یک تیم بین المللی که در آن لیگ عرب و سازمان ملل متحد

(در شرایطی که نظارت بین المللی تقریباً وجود نداشت) افشا کردند، «ائتلاف متحد عراق» (فهرست انتخاباتی نیروهای عمده اسلامی شیعه، شامل آنانی که در دولت نیروی غالب هستند) و طرفدارانش در این خشونت ها دست داشتند. در کنار این خشونت ها، کارزار تبلیغاتی افترا آمیز و ناجوانمردانه ای با استفاده از شعارهای مذهبی به راه انداخته شد تا مردم عادی را علیه مخالفان سیاسی بشورانند. در طول مدت کارزارهای تبلیغاتی، در جریان یک حمله ناجوانمردانه در حومه شهر الثوره در حوالی بغداد، دو تن از فعالان حزب ما کشته شدند. در روز پیش از انتخابات، دفتر مرکزی حزب ما در ناصریه، در جنوب کشور، از سوی اوباشی که در میان آنها اعضای نیروهای امنیتی محلی دیده شدند مورد حمله قرار گرفت و به آتش کشیده شد. گروه های غیر مذهبی دموکراتیک دیگر نیز مورد هدف چنین حمله هایی قرار گرفتند. این جو ترس و ارباب تأثیری منفی بر رأی دهندگان در چندین استان مرکزی و جنوبی داشت، به ویژه در پایتخت، بغداد، و دیگر مراکز پر جمعیت. هدف این بود که ادامه تسلط گروه های فرقه گرا و خودکامه در آینده سیاسی عراق تضمین شود. این بار هم باز کارزار های انتخاباتی نتوانست به روشنی برنامه های سیاسی لیست های انتخاباتی رقیب را برجسته کند و در معرض افکار عمومی قرار دهد. باز هم گرایش های فرقه گرایانه و قومی تحریک شد و از آنها برای رسیدن به خواست های تنگ نظرانه بهره برداری به عمل آمد. میراث دهه ها دیکتاتوری به علاوه سیاست های اشغال گران آمریکایی، زمینه مناسبی برای خودنمایی و رشد این تاکتیک ها فراهم کرده اند. برای نیروهای غیر مذهبی و دموکراتیکی که هدفشان بنا کردن عراقی مدرن و دموکراتیک است، این وضع چالشی عمده بوده و خواهد بود. این نیروها نمی توانند به شکست تن در دهند چرا که در آن صورت حکومت استبدادی و دیکتاتوری زیر پوشش مذهب یا غیر آن باز خواهند گشت و اختلاف های درون جامعه را در زمینه های قومی و فرقه بی ژرف تر خواهند کرد. این وضع نه تنها برای عراق بلکه برای کل منطقه و در سطح بین المللی پیامدهای فاجعه باری خواهد داشت. نومحافظه کاران آمریکایی نیز از این تفاوت ها و تفرقه ها استفاده خواهند کرد تا حضور نظامی خارجی را تداوم بخشند و با نفوذ بر اقتصاد و سیاست کشور، عراق را به کشوری وابسته تبدیل کنند. در مقایسه با انتخابات بهمن ماه

مصاحبه نامه مردم با رفیق سلام علی، سخنگوی کمیته مرکزی حزب کمونیست عراق

«ما به مبارزه خود برای تشکیل یک دولت وحدت

ملی ادامه خواهیم داد»

مطبوعات جهان، روز جمعه ۲۱ بهمن ماه، از قول عادل اللامی، رئیس کمیسیون مستقل انتخاباتی عراق، نتایج نهایی و تأیید شده انتخابات پارلمانی این کشور را که در آذرماه انجام شده بود، انتشار دادند. با توجه به اهمیت نتایج این انتخابات در تحولات آتی کشور همسایه و همه منطقه و همچنین برای اطلاع خوانندگان «نامه مردم» از روند برگزاری این انتخابات، در جریان مصاحبه ای با رفیق سلام علی، عضو شعبه روابط بین المللی کمیته مرکزی حزب کمونیست عراق، برخی از سئوال های کلیدی مطرح مورد بحث قرار گرفتند. در ادامه پاسخ های رفیق سلام علی به سئوال های مطروحه منتشر می شوند. ما علاوه بر این مصاحبه توجه خوانندگان نامه مردم را به ترجمه متن «نامه سرگشاده کمیته مرکزی حزب کمونیست عراق به احزاب برادر» در رابطه با تحولات این کشور که در سایت اینترنتی حزب توده ایران منتشر شده است، جلب می کنیم.

سئوال - انتخابات ماه دسامبر (دی ماه)، در سطح بین المللی به عنوان اقدامی مهم در راستای تحولات آتی عراق ارزیابی گردید. لطفاً در مورد موضوع های کلیدی متأثر از نتیجه این انتخابات توضیحاتی بدهید؟

پاسخ: انتخابات اخیر (۲۴ دی ماه ۸۴) در عراق اهمیتی حیاتی برای تحولات سیاسی جاری در عراق داشت، زیرا نقطه پایانی بر مرحله [دولت] انتقالی بود و بر اساس قانون اساسی بی برگزار می شد که در همه پرسی دو ماه پیش به تأیید اکثریت مردم ما رسیده بود. این انتخابات گام بسیار مهمی است در راستای احیای کامل استقلال ملی عراق مطابق با قطعنامه های شورای امنیت سازمان ملل. مجلس جدید و دولتی که در چند هفته آتی تشکیل خواهد شد وظایف خطیری در پیش رو خواهند داشت. علاوه بر مسأله عمده مقابله با پیامدهای اشغال، موضوع های حاد دیگری نیز وجود دارد که تأثیری مستقیم بر زندگی روزمره مردم دارد. در وهله اول و مهمتر از همه، به امنیت، خدمات پایه بی (آب، برق، بهداشت و درمان...)، بیکاری، فساد گسترده، و سیاست های اقتصادی باید توجه شود. به علاوه، مجلس باید به مسائل به جا مانده از جریان پیچیده تهیه پیش نویس قانون اساسی رسیدگی کند. همچنین بر اساس توافق انجام شده قرار است که در چهار ماه اول کار مجلس، برخی از موضوع های بحث انگیز مربوط به بندهای خاصی از قانون اساسی (مثل فدرالیسم) مورد بحث و بررسی قرار بگیرند. حصول این توافق برای تشویق مردم به شرکت گسترده تر در انتخابات و نیز ایجاد فضایی مناسب برای به پیش راندن روند سیاسی تحولات کشور نقشی حیاتی داشت.

سئوال: با توجه به دو مسأله اشغال و تروریسم که بر عراق سایه افکننده اند، آیا مقام های کشور توانستند نظام انتخاباتی رضایت بخشی را سامان بدهند؟

پاسخ: دوره کارزارهای انتخاباتی از گزند ارباب، حمله های خشونت آمیز و حتی ترور و کشتار فعالان سیاسی مصون نبود. خشونت هایی که پیش از روز انتخابات صورت گرفت در مقایسه با آنچه در جریان نخستین انتخابات در ۱۰ بهمن دیده شد در مقیاسی بسیار بزرگتر و سازمان یافته تر بود. آن طور که چندین گروه غیر دولتی (ان جی او) و گروه های ناظر بی طرف

ادامه در صفحه ۷

لطفاً در مکاتبات خود با آدرس های زیر، از ذکر هر گونه نام اضافی خودداری کنید.

1-Postfach 100644, 10566 Berlin, Germany
2- B.M. Box 1686, London WC1N 3XX, UK
3. <http://www.tudehpartyiran.org>
4. E-mail: dabirkhaneh_hti@yahoo.de

Nameh Mardom-NO 732
Central Organ of the Tudeh Party of Iran

16 February 2006

شماره فاکس و
تلفن پیام گیر ما
۰۰ - ۴۹ - ۳۰ - ۳۲۴۱۶۲۷

حساب بانکی ما:

نام IRAN e.V.
شماره حساب 790020580
کد بانک 10050000
بانک Berliner Sparkasse